

به نام خدا

استاد محترم:

موضوع: مرجع علوم اسلامی: دکتر عباس زریاب خویی

تهیه شده:



مورخ، ادیب، نسخه‌شناس، نویسنده، مترجم

- عباس زریاب خویی در ۲۰ مرداد ۱۲۹۸ هجری خورشیدی در شهر خوی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و دوره اول دبیرستان را در خوی گذراند و چون امکان ادامه تحصیل در خوی وجود نداشت نزد یکی از روحانیون شهر به نام شیخ عبدالحسین اعلمی به یادگیری صرف و نحو عربی، اصول و دیگر علوم حوزوی پرداخت. در سال ۱۳۱۶ به قم رفت و شش سال نزد علمای تراز اول حوزه علمیه قم به تحصیل مشغول بود. در همین دوره، در جلسه‌های درس شرح منظومه سبزواری و اسفار ملاصدرا نزد آیت‌الله خمینی حاضر می‌شد. در سال ۱۳۲۲ فوت پدر باعث شد تا زریاب به شهر خوی بازگردد و مدتی به تدریس در دبیرستان پردازد.

□ در خانواده وی کسی باسواد نبود ولی عموی او، قرآن خواندن می‌دانست. تمایل زریاب خویی در خردسالی به خواندن قرآن سبب شد که مادرش او را برای آموزش نزد آموزگار قرآن محله بفرستد. پس از دو سال آموزش قرآن، وی تحصیلات ابتدایی خود را در خوی آغاز کرد ولی «به هیچ وجه از آموزگاران نخستین خود دل خوشی» نداشت و با اکراه و بی‌میلی به مدرسه می‌رفت. در این دوران او خود را «در میان خانواده و مدرسه و مردم شهر غریب حس می‌کند.

□ با وجود این بی‌میلی‌ها و محدود بودن دسترسی به کتاب، آموختن خواندن و نوشتن «شوقی غریب» را در وی برای خواندن برانگیخت. وی در مقاله زندگانی من کتاب‌هایی را که در این دوران خوانده، فهرست کرده‌است که در آن میان آثاری چون مختارنامه عطار، حیاة القلوب مجلسی، کلیله و دمنه و اسکندرنامه به چشم می‌خورد. در سال‌های ده تا سیزده سالگی دیدگاه او به تاریخ، ادبیات، و نقد ادبی، با خواندن کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیای تألیف اقبال آشتیانی، احوال و آثار رودکی نفیسی و سخن و سخنوران فروزانفر و همچنین مقالات مجلاتی چون کاوه و ایرانشهر تأثیر فراوان می‌گیرد.

□ مهاجرت به قم و حضور در حوزه علمیه

- پس از اتمام سه سال دوره اول دبیرستان در خوی، امکان ادامه تحصیل در دوره دوم دبیرستان در آن شهر وجود نداشت و پدر زریاب خویی نیز راضی به فرستادن وی به تبریز یا ارومیه نبود.
- وی با اصرار تمام پدرش را به موافقت با این سفر راضی کرد و در اواخر شهریور ۱۳۱۶ به قم وارد شد. وی در زندگانی من، از همزمانی ورودش به قم و وخامت وضعیت سیاسی-اجتماعی و «اوج قدرت پهلوی و بحران سخت‌گیری‌های آن»، مخصوصاً پس از واقعه مسجد گوهرشاد،
- پس از دو سال برای حضور در دروس استادان درجه اول آمادگی یافت. باقیمانده دوران شش‌ساله حضور ولی در حوزه علمیه قم به تحصیل نزد علمای تراز اول صرف شد؛ وی در جلسه‌های درس آیت‌الله خمینی بر «شرح منظومه» سبزواری و «اسفار» ملاصدرا حاضر شد. با وجود این، نامه‌هایی که زریاب خویی در سال ۱۳۲۱ یا اندکی پیش از آن به دوستانش نوشته‌است از فقر اقتصادی وی و سرخوردگی‌اش از اوضاع آن دوران در حوزه علمیه خبر می‌دهد. علاقه فراوان او به مطالعات در زمینه‌های خارج و محدود نشدن به متون درسی معین، برخی از طلبان را نسبت به وی بدبین کرد:



زریاب خویی و تقی‌زاده در دهه ۳۰ شمسی

□ پس از بازگشت به خوی در ۱۳۲۲، زریاب خویی به مدت دو سال به تدریس ادبیات در دبیرستان‌های خوی مشغول بود. این دوران که به گفته خود او «پر آشوب‌ترین و رنجبارترین ایام حیات» وی بوده‌است، با مرگ پدر و تعهد به تکفل از مادر و برادران همراه بود. در شهریور ۱۳۲۴، هم‌زمان با پایان جنگ جهانی دوم و ناآرامی‌های ناشی از ادامه اشغال آذربایجان، نفوذ روس‌ها در آذربایجان فراگیر بود. با وجود این که به گفته ریاحی، زریاب خویی هرگز اهل سیاست نبود، روس‌ها به «تهمت واهی سیاسی» او را به تهران تبعید کردند.

□ مهاجرت به تهران و کار در کتابخانه مجلس

- و دو سال اول را با سختی در تهران زندگی کرد و برای امرار معاش به تدریس خصوصی ناچار بود. در همین دوران به نوشتن مقاله در نشریه‌های علمی و ادبی می‌پرداخت. در سال ۱۳۲۵، محمد صادق طباطبایی، رئیس پیشین مجلس شورای ملی کتابخانه خانوادگی خود را به کتابخانه این مجلس اهدا کرد. این مجموعه اهداشده شامل بیش از سه هزار جلد کتاب در رشته‌های مختلف معقول و منقول بوده‌است که ۱۴۳۸ جلد از آن نُسخ خطی بوده‌اند. کتابخانه شورای ملی در آن زمان کسی را نداشت که این کتاب‌های اهداشده را فهرست‌نویسی کند و به معرفی شریعت سنگلجی و تقی تفضلی، این مسئولیت با حقوق صد و پنجاه تومان در ماه به زریاب خویی واگذار می‌شود.

□ تحصیل و مطالعه

- در سال ۱۳۳۴ بورس مطالعاتی بنیاد هومبولت در آلمان غربی (بنابر معرفی سید حسن تقی‌زاده) در اختیار عباس زریاب خویی قرار گرفت. تدریس در دانشگاه برکلی. عباس زریاب خویی به مدت پنج سال در شهرهای ماینز و فرانکفورت و مونیخ به تحصیل و مطالعه در رشته‌های
- تاریخ
- علوم معارف اسلامی
- فلسفه
- فرهنگ تطبیقی
- در سال ۱۳۳۹ از دانشگاه یوهانس گوتنبرگ شهر ماینز در رشته‌های تاریخ و فلسفه درجه دکتری گرفت. عنوان رساله دکتری او "گزارش در باره جانشینان تیمور برگرفته از کتاب تاریخ کبیر جعفری" تألیف ابن محمد حسینی بود که زیر نظر هانس روبرت رویمر و پرفسور شل از ایران‌شناسان مشهور آلمانی تهیه شد.

▶ دکتر عباس زریاب خویی در سال ۱۳۳۹ به تهران بازگشت و مجدداً در کتابخانه مجلس سنا مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۱ به دعوت والتر هنینگ که آن زمان کرسی استادی در دانشگاه برکلی کالیفرنیا داشت به برکلی رفت و به مدت دو سال در آن دانشگاه به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود. با اینکه هنینگ پست دائمی در دانشگاه برکلی برای زریاب در نظر گرفته بود ولی او ترجیح داد که به ایران بازگردد و دانسته‌ها و تجربه‌های خود را در اختیار دانشجویان ایرانی بگذارد. دکتر عباس زریاب از سال ۱۳۴۴ استاد تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود.

- در رشته‌های دیگر :
- ادبیات فارسی ، ادبیات عرب ،
- فلسفه
- زبان شناسی و معارف اسلامی صاحب نظر بوده اند.
- ، تا سال ۱۳۵۷ که در دانشگاه تهران اشتغال داشت، در اغلب این رشته‌ها تدریس و سخنرانی می‌کرد.

□ بازگشت به ایران و تدریس در دانشگاه تهران

□ دکتر زریاب خویی پس از بازگشت از آمریکا و از سال ۱۳۴۵ استاد گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود، و پس از مدتی به مدیریت گروه تاریخ آن دانشکده برگزیده شد. از آنجا که وی در رشته‌های دیگر مانند ادبیات فارسی، ادبیات عرب، فلسفه، زبان‌شناسی و معارف اسلامی صاحب‌نظر بود، تا پس از انقلاب که به اجبار دانشگاه تهران را ترک کرد، در اغلب این رشته‌ها تدریس و سخنرانی می‌کرد.

□ دوران سمت‌های علمی

پس از ترک دانشگاه تهران، وی سمت‌های علمی مختلفی را به عهده داشت.

- عضو انجمن فلسفه،
- عضو هیئت امنای بنیاد فرهنگ ایران
- عضو فرهنگستان تاریخ
- عضو بنیاد شاهنامه فردوسی .
- عضو انجمن بین‌المللی شرق‌شناسی (آلمان)
- عضو مجمع بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی (انگلستان) .

□ با دایرهٔ المعارف فارسی (زیر نظر غلامحسین مصاحب) ، و دانشنامه ایران و اسلام (زیر نظر احسان یارشاطر) همکاری داشتند که مدخل‌های بسیاری در این دو دانشنامه به قلم اوست .

• به نوشتهٔ احمد تفضلی:

➤ پس از انقلاب، دستگاه اداری دانشگاه قدر او را ندانست و زریاب اجباراً دانشگاه را ترک گفت و از این راه دانشگاه بود که زیان فراوان دید نه او. فراغت ایام بازنشستگی او را مدتی به کنج خلوت کشاند، ولی هنگامی که بنیاد دایرةالمعارف اسلامی و مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و دایرةالمعارف تشیع تأسیس شد، بر همه اهل علم و معرفت معلوم بود که هر دایرةالمعارفی در این زمینه‌ها بدون همکاری پرثمر زریاب ناقص خواهد بود. از این رو بود که همه خاضعانه دست کمک به سوی او دراز کردند و از او درخواست همکاری کردند. زریاب کوشید تا رنجیدگی خود را از دستگاه اداری دولتی دانشگاه به دست فراموشی سپرد. با دل و جان با سازمان‌های علمی نامبرده به همکاری پرداخت و اکنون مقالات او زینت‌بخش این دایرةالمعارف‌هاست

➤ یکی از مهترین جنبه‌های زندگی تحقیقاتی زریاب خویی را، شناخت و تجربه او در زمینه منبع‌شناسی کتب و اسناد علمی و شناخت نُسخ خطی نادر، به خصوص نسخه‌های مجهول‌المؤلف یا نسخه‌های ناکامل، دانسته‌اند

➤ دکتر عباس زریاب خویی در ۱۴ بهمن ۱۳۷۳ در تهران درگذشت.

تألیف

- اطلس تاریخی ایران، زیر نظر سید حسین نصر، احمد مستوفی و عباس زریاب، تهران : ۱۳۵۰ .
- تاریخ ساسانیان، تهران : ۱۳۵۴ .
- بزم آورد، شصت مقاله در باره تاریخ، فرهنگ و فلسفه، تهران : ۱۳۶۸ .
- آئینه جام، شرح مشکلات دیوان حافظ، تهران : ۱۳۶۸ .
- سیره رسول الله، بخش اول: از آغاز تا هجرت، تهران : ۱۳۷۰ .
- کتاب الصیدنه فی الطب، نوشته ابوریحان بیرونی (تصحیح و تحشیه و مقدمه)، تهران : ۱۳۷۰ .
- دانشنامه جهان اسلام، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی .
- دائرةالمعارف فارسی،
- روضه‌الصفاء، نوشته محمدبن خاوندشاه بلخی، تهذیب و تلخیص، دکتر عباس زریاب، ۲ مجلد، تهران : ۱۳۷۳ .
- شط شیرین پر شوکت، منتخبی از مقالات استاد عباس زریاب خویی به اهتمام حمیدرضا(میلاد)عظیمی ، - نشر مروارید، چاپ اول : ۱۳۸۷ .

❑ ترجمه

❑ تاریخ فلسفه، ویل دورانت (ترجمه از انگلیسی)، تهران : ۱۳۳۵.

❑ لذات فلسفه، ویل دورانت (ترجمه از انگلیسی)، تهران : ۱۳۴۴.

❑ تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، تئودور نولدکه (ترجمه از آلمانی)، تهران : ۱۳۵۸ . **Das**
(**iranische Nationalepos / von Theodor Nöldeke**)

❑ دریای جان، هلموت ریتر (ترجمه از آلمانی، با همکاری مهرآفاق بایبردی)، تهران : ۱۳۷۴، ج ۱

❑ ظهور تاریخ بنیادی، فریدریش ماینکه (ترجمه از آلمانی)

www.Persianpersia.Com/artandculture ❖



رادیو فرهنگ
جهان زیر آیین و فرهنگ ماست

چراغداران



مستند کوتاه زندگی عباس زریاب خویی

aparat.com/radiofarhang.ir

باتشکر از توجه شما